

ضرورت تأسیس دادگاه زیست‌محیطی با نگاهی به وضعیت ایران

زهرا محمودی کردی*، زهراسادات شارق**، حسین رضازاده***

چکیده

بر اساس اسناد بین‌المللی تحقق دموکراسی زیست‌محیطی مبتنی بر سه عنصر دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیمات و دسترسی به مراجع قضایی و شبه‌قضایی در موضوعات زیست‌محیطی است. با توجه به اینکه خسارات زیست‌محیطی آسیب‌های انسانی را نیز به دنبال دارد، بسیاری از دولت‌ها در نظام داخلی خود اقدام به ایجاد مراجع قضایی و شبه‌قضایی زیست‌محیطی نموده‌اند تا از این طریق، حق دسترسی به مراجع مذکور در موضوعات زیست‌محیطی را تضمین نمایند. با توجه به تنوع زیستی بالا اما شکننده در کشور ایران و تهدیدات زیست‌محیطی از جمله وجود گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض انقراض، آلودگی‌های زیست‌محیطی، ریزگردها، بیابان‌زایی و... خلأ چنین نهادی در نظام حقوقی کشور محسوس است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی اسناد، رویه قضایی بین‌المللی و مراجع موجود در حقوق داخلی برخی دولت‌ها پرداخته و سپس وضعیت نظام حقوقی ایران را ارزیابی می‌نماید و در پاسخ به این سؤال که کدام مدل از دادگاه‌های زیست‌محیطی برای ایران مناسب‌تر است به این نتیجه می‌رسد که با توجه به پیشینه وجود دادگاه‌های اختصاصی در نظام حقوقی ایران، تأسیس یک دادگاه اختصاصی زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران می‌تواند زمینه‌های تحقق دموکراسی زیست‌محیطی و متعاقباً توسعه پایدار را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، دموکراسی زیست‌محیطی، دادگاه زیست‌محیطی، رویه قضایی

* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
z.mahmoudi@umz.ac.ir

** دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
miss.sharegh71@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
h.rezazadeh69@yahoo.com

مقدمه

بر اساس دکترین حقوقی و رویه قضایی بین‌المللی، حقوقی که به محیط‌زیست مربوط می‌شود را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول حقوق ماهوی هستند که تخریب محیط‌زیست بهره‌مندی از آن‌ها را به‌طور مستقیم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، مانند حق حیات، حق بر سلامت و...؛ دسته دوم حقوق آیینی است که شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به مراجع قضایی می‌شود. (3-2: IACHR, 2017; 90: Dinah Shelton, 2010) دسته اخیر در چهارچوب دموکراسی زیست‌محیطی مورد توجه قرار می‌گیرد. دموکراسی زیست‌محیطی، مفهومی فراتر از رابطه فرد با دولت است. این مفهوم به نیازهای بشری در مشترکات زیست‌محیطی^۱ اشاره دارد. منظور از مشترکات، خیر و نفع عامه در موضوعات زیست‌محیطی است که فقط محدود به سهم افراد در مواد و کالاها نمی‌شود بلکه رویکردی اجتماعی است که ایجاد، استفاده و حفاظت از منابع طبیعی را سازمان‌دهی می‌کند؛ در این معنی تنوع زیستی، آب، هوا، معادن، اقلیم، نظام‌های بوم‌شناسی و... همگی از مشترکات زیست‌محیطی محسوب می‌شوند. (The Australian Panel of Experts on Environmental Law, 2017: 10) برای بهره‌مندی از مشترکات مذکور، حقوق آیینی زیست‌محیطی^۲ شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به مراجع قضایی به شهروندان اعطا می‌گردد تا در برابر پروژه‌های صنعتی یا آثار سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی بر جامعه اقدامات مناسبی را اتخاذ نمایند. حقوق آیینی زیست‌محیطی به دنبال توانمندسازی شهروندان در واکنش به پروژه‌ها و فعالیت‌های زیست‌محیطی است.

از اسناد مهمی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس^۳ است. کنوانسیون آرهوس که نماد یا سمبل دموکراسی زیست‌محیطی محسوب می‌شود دربردارنده حقوقی آیینی است که به افراد در موضوعات زیست‌محیطی اعطا می‌گردد. ماده ۱ کنوانسیون آرهوس^۴ مقرر

1. the Environmental commons
2. Environmental procedural rights
3. Convention on access to information, public participation in decision-making and access to justice in environmental matters (1998)
۴. کنوانسیون آرهوس در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ توسط کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا امضا شده و در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا گردید. از جهتی ممکن است کنوانسیون آرهوس را بتوان کنوانسیون جهانی دانست زیرا طبق بند ۳ ماده ۱۹ کنوانسیون عضویت نه تنها به روی دولت‌های عضو کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا باز می‌باشد بلکه هر دولتی که عضو سازمان ملل متحد باشد به شرط تصویب مجمع اعضای کنوانسیون، می‌تواند به عضویت کنوانسیون آرهوس درآید.

می‌دارد: «به‌منظور حمایت از حق هر فرد از نسل حاضر و نسل‌های آینده برای زندگی در محیطی که متناسب با سلامت و رفاهشان باشد هر دولت عضو می‌بایست حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به مراجع قضایی در موضوعات زیست‌محیطی را تضمین نماید.» از این ماده به روشنی مبین سه ستون تحقق دموکراسی زیست‌محیطی است. بر اساس آنچه بیان شد، سومین حقی که پازل دموکراسی زیست‌محیطی را کامل می‌کند، حق دسترسی به مرجع قضایی صالح در مسائل زیست‌محیطی است که از سه جهت حائز اهمیت می‌باشد: اولاً منجر به افزایش حمایت از منافع زیست‌محیطی می‌شود، ثانیاً قوانین زیست‌محیطی موجود با کارآمدی بیشتری اعمال می‌شوند و ثالثاً با به چالش کشیدن تصمیمات زیست‌محیطی نزد مراجع قضایی و شبه‌قضایی، علاوه بر پذیرش عمومی، مشروعیت آن تصمیمات را افزایش می‌دهد (Hjalmarsson, 2014: 8). به تعبیری، مشروعیت قانون بستگی به رویه و دخالت عموم در انطباق و نیز کاربرد هنجارهای قانونی دارد (Ebbesson, 2002: 7).

ضرورت تشکیل دادگاه زیست‌محیطی به‌صراحت در اسناد بین‌المللی دیگر نیز بیان شده و رویه قضایی نیز با تفسیر این اسناد آن را تأیید نموده است. با این حال، تشکیل دادگاه مذکور در یک کشور ممکن است با چالش‌هایی مواجه باشد. با توجه به اینکه رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومی معمولاً طولانی و با بوروکراسی اداری همراه است، دولت‌ها در حوزه محیط‌زیست به دنبال ایجاد مراجعی (اعم از قضایی و شبه‌قضایی) هستند که معایب مذکور را نداشته و در عین حال با اقتضانات مسائل زیست‌محیطی نیز هم‌گام باشد. در همین راستا دولت‌ها با توجه به نظام حقوقی خود، که متأثر از نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... آن‌هاست، از بین گونه‌های مختلف مراجع قضایی و شبه‌قضایی زیست‌محیطی، مدلی را که مناسب ساختار خود می‌دانند را اجرایی می‌کنند. مقاله حاضر، ضمن بررسی جایگاه دسترسی به دادگاه زیست‌محیطی به‌عنوان یک حق بشری در نظام بین‌المللی به دنبال پاسخ به این سؤال است که در نظام حقوقی ایران، کدام مدل از دادگاه‌های زیست‌محیطی مناسب‌تر است. به‌منظور پاسخ به این سؤال، مقاله در چهار بخش تنظیم گردیده، در بخش‌های اول و دوم، حق دسترسی به دادگاه‌های زیست‌محیطی در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی مرتبط بررسی شده، سپس در بخش سوم رایج‌ترین مدل‌های مراجع قضایی و شبه‌قضایی در نظام‌های داخلی مطالعه و در نهایت در بخش چهارم، وضعیت نظام حقوقی کشورمان مطمح نظر قرار گرفته است.

۱. حق دسترسی به دادگاه زیست‌محیطی در اسناد بین‌المللی

دسترسی مؤثر به مراجع قضایی صالح از جمله حقوقی است که در اسناد متعدد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده

۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله اسنادی هستند که دسترسی به دادگاه صالح را حق هر انسان می‌دانند. از این گذشته، دسترسی به دادگاه‌های زیست‌محیطی نیز در برخی اسناد بین‌المللی ذکر شده است. بیست سال پس از صدور اعلامیه استکهلم، کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ملل متحد موسوم به اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شده و یکی از نتایج آن اعلامیه ریو در مورد محیط‌زیست و توسعه^۱ است. ماده ۱۰ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «مسائل مربوط به محیط‌زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت نمایند... دسترسی مؤثر به رسیدگی‌های اداری و قضایی، از جمله تصمیمات مربوط به اصلاح و جبران خسارت، باید تأمین گردد.»

بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس نیز مقرر می‌دارد: «... هر طرف معاهده تضمین می‌نماید که اعضای جامعه بتوانند با دسترسی به مراجع قضایی و شبه‌قضایی، فعل و ترک فعل‌هایی که برخلاف قوانین ملی، توسط اشخاص خصوصی و مراجع عمومی و علیه محیط‌زیست انجام شده است را به چالش بکشند.»

ماده ۱۱ پیش‌نویس طرح میثاق بین‌المللی حقوق بشر بر محیط‌زیست (۲۰۱۵)^۲ نیز با عباراتی مشابه، مراجعه به مراجع قضایی صالح و نهادهای اداری مستقل و بی‌طرف را، نسبت به اقداماتی که منجر به نقض حقوق داخلی و بین‌المللی محیط‌زیست شده را حق هر فرد می‌داند.

از دیگر اسناد منطقه‌ای که مبین حق دسترسی به دادگاه زیست‌محیطی است، «موافقت‌نامه دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست‌محیطی در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب»^۳ معروف به کنوانسیون اسکازو ۲۰۱۸ است.^۴ ماده اول این موافقت‌نامه مانند کنوانسیون آرهوس هدف انعقاد آن را تضمین دسترسی به اطلاعات، مشارکت عامه و دسترسی دادگاه می‌داند. البته این کنوانسیون با جزئیات بیشتری دسترسی به دادگاه در موضوعات زیست‌محیطی را مورد توجه قرار داده است. طبق ماده ۸ دسترسی مؤثر، به موقع، شفاف، بی‌طرفانه

1. The RIO declaration on environment and development (1992)
2. Draft of the International Covenant on the Human Right to the Environment (2015)
3. Regional Agreement on Access to Information, Public Participation and Justice in Environmental Matters in Latin America and the Caribbean
۴. موافقت‌نامه اسکازو در ۴ مارس بعد از ۶ هفته مذاکرات مداوم توسط ۲۴ دولت منعقد گردید. طبق بند اول ماده ۲۲ آن، نوزده روز پس از تقدیم یازدهمین سند تصویب لازم‌الاجرا می‌گردد. که این شرایط تاکنون محقق نشده است. تاکنون ۲۴ دولت این موافقت‌نامه را امضا و ۹ دولت بدان ملحق شده‌اند.

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XXVII-18&chapter=27&clang=_en

و بدون هزینه گزاف به دادگاه در موضوعات زیست‌محیطی می‌بایست تضمین گردد. (Giada Ferrucci, 2019: 12).

۲. انعکاس حق دسترسی به دادگاه زیست‌محیطی در رویه قضایی

حق دسترسی به مراجع قضایی در نتیجه مخاطرات زیست‌محیطی در رویه قضایی تأکید قرار گرفته است ضمن آنکه نقش رویه در شفاف‌سازی این حق و تبیین ابعاد آن نیز قابل توجه است. از این رو در مطالب پیش رو ضمن بررسی چند پرونده مهم، رویکرد مراجع قضایی نسبت به حق دسترسی به دادگاه زیست‌محیطی نیز بیان خواهد شد.

از جمله پرونده‌های مطروح در این زمینه، دعوی ریموند دلا پرادل علیه فرانسه در دیوان اروپایی حقوق بشر است. خواهان، مالک زمینی به مساحت ۲۵۰ هکتار بود که وزارت محیط‌زیست و کیفیت زندگی فرانسه، با یک دستور اجرایی زمین‌های منطقه‌ای که زمین‌های خواهان هم بخشی از آن بود را به‌عنوان زمین‌های برخوردار از زیبایی‌های شاخص و مناسب برای منافع عامه در نظر می‌گیرد (ECtHR, 1992: para.7). خواهان، پس از گذشت دو ماه از تصمیم وزارت محیط‌زیست و کیفیت زندگی فرانسه به آن اعتراض می‌کند.^۱ اما دادگاه فرانسه با استناد به دستورالعمل مصوب جولای ۱۹۴۵^۲ ارائه دادخواست را خارج از موعد زمانی اعلام و به نفع خواننده رأی می‌دهد. در پی آن، خواهان با استناد به ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این دلیل که از دسترسی به یک دادگاه منصفانه محروم شده در دیوان اروپایی حقوق بشر اقامه دعوی می‌کند. استدلال خواهان این بود که افراد مستحق دسترسی به یک نظام منسجم هستند که میان منافع دولتی و منافع آن‌ها تعادلی منصفانه ایجاد نماید. به‌خصوص وی می‌بایست از فرصت مؤثر و عملی برخوردار باشد تا بتواند دستورالعملی که در حق مالکیت وی مداخله نموده را به چالش بکشد. دیوان، با ملاحظه شرایط فوق اعلام داشت که خواهان به‌صورت عملی و مؤثر از حق دسترسی به دادگاه برخوردار نبوده لذا دولت فرانسه بند اول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض نموده است. (ECtHR, 1993: paras.8-35).

از موارد قابل توجه دیگر در دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان به اختلاف یک سازمان مردم‌نهاد

۱. خواهان معتقد بود چگونه در دعوی اشخاص حقیقی در نظام فرانسه خوانده دو ماه از تاریخ اطلاع حق اعتراض دارد اما در زمانی که تصمیم از طرف مراجع دولتی باشد شخص دو ماه از زمان انتشار از چنین حقی برخوردار است، این موضوع با اصل برابری مغایرت دارد.

۲. طبق ماده ۴۹ دستورالعمل مصوب جولای ۱۹۴۵ زمانی که تصمیمی توسط مراجع دولتی اتخاذ می‌شود مراجع قضایی تا دو ماه از زمان انتشار تصمیم، از صلاحیت قضایی برای رسیدگی به آن تصمیم برخوردارند.

علیه دولت بلژیک اشاره نمود. خواهان یک مؤسسه غیرانتفاعی^۱ بوده که هدفش حمایت از محیط زیست منطقه مارکه-ناسون^۲ بلژیک است. محدوده کاری مؤسسه، شامل هر فعالیتی می شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به کیفیت و تنوع زیست بوم، چشم اندازهای طبیعی یا نیمه طبیعی، زمین، آب، هوا و سایر عناصر حیاتی برای انسان مربوط باشد. این مؤسسه نسبت به اعطای مجوز برای گسترش یک سایت جمع آوری زباله به شورای دولتی بلژیک شکایت نمود. اما شکایت با این استدلال که فاقد بیان واقعیت‌هایی (فکت‌هایی) است که زمینه اختلاف را شرح دهد، رد شد. خواهان با این ادعا که عدم پذیرش دعوا توسط شورای دولتی بلژیک، منجر به نقض حق دسترسی به دادگاه شده است و با استناد به بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دیوان اقامه دعوی نمود (ECtHR, 2009: paras.5-16). دیوان در این رأی ابتدا شرایط استناد به ماده ۶ کنوانسیون را تبیین می نماید از جمله اینکه، «اختلاف» باید در مورد «حقی» باشد که در قانون داخلی شناسایی شده است. اختلاف، باید واقعی و جدی باشد؛ این مسئله نه تنها نسبت به وجود حق، بلکه به دامنه و نوع اعمال آن نیز مربوط می شود. همچنین، نتیجه رسیدگی باید مستقیماً برای حق مورد نظر تعیین کننده باشد. به بیان دیگر، ارتباط ضعیف و بعید برای استناد به ماده ۶ کفایت نمی کند. (ECtHR, 2009: para.24). بنابراین، صرف وجود قانون یا تأثیر حکم دادگاه بر شخص ثالث، طرح دعوا از طرف وی را توجیه نمی کند.^۳ سپس به انطباق شرایط گفته شده به خواهان پرداخته و اعلام می دارد، خواهان (مؤسسه غیرانتفاعی) علاوه بر دفاع از منافع عامه، به طور خاص مدافع منافع اعضای مؤسسه نیز می باشد و در این پرونده، افزایش ظرفیت سایت جمع آوری زباله، به طور مستقیم زندگی شخصی اعضا را تحت تأثیر قرار داده است. دیوان در نهایت با توجه به احراز ارتباط میان اختلاف مطروحه با حق مورد استناد، نقض بند ۱ ماده ۶ را می پذیرد (ECtHR, 2009: paras.25-30).

از جمله پرونده‌های جدید مطروحه در دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها پرونده اگیگ^۴ است که در سال ۲۰۱۷ طرح گردید. بعد از طرح دعوا در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، به دلیل نقض‌های شدید و گسترده حقوق بشر و عدم تبعیت دولت کنیا از اقدامات موقت، کمیسیون پرونده را به دیوان مزبور ارجاع داد. (John H. Knox, Ramin Pejan, 2018: 78). این پرونده مربوط به اقلیت‌های قومی بومی ساکن در جنگل مانو کنیا است. دولت کنیا با استناد به اینکه جنگل مانو

1. L'Erablière A.S.B.L.
2. Marche-Nassogne
3. Actio Popularis
4. Ogiek case

(حوزه آبریز منطقه حفاظت شده) محسوب و متعلق به این دولت است، بدون مشورت قبلی و لحاظ اهمیت جنگل مانو برای اقلیت مذکور، اقدام به اخراج آن‌ها نمود. (ACtHPR, 2017: para.3). خواهان با استناد به قانون اساسی کنیا بیان می‌دارد که اقلیت بومی بودن نباید مانع بهره‌مندی از حقوق مذکور گردد. دیوان ابتدا با بررسی عوامل متعدد از جمله ارتباط گروه آگیک با طبیعت، زمین و محیط‌زیست طبیعی تصدیق می‌کند که این گروه یک جمعیت بومی است که بقایش بستگی به دسترسی پیوسته و استفاده از زمین و منابع طبیعی منطقه دارد. (ACtHPR, 2017: para.105-112) و در این راستا از حق تصرف، استفاده و بهره‌مندی از سرزمین اجدادیشان برخوردارند (ACtHPR, 2017: para.128) و لذا دولت کنیا در برابر تخریب جنگل مسئول بوده و اخراج اقلیت بومی آگیک اقدامی مناسب برای حفظ محیط‌زیست جنگل محسوب نمی‌شود. (ACtHPR, 2017: para.130-131) نکته مهم در رأی دیوان، تأیید ادعای خواعان مبنی بر حق دسترسی به دادگاه است. بنا بر نظر دیوان، همه کنیایی‌ها می‌بایست در بهره‌مندی از حقوق از جمله دسترسی به عدالت از فرصت‌های برابر برخوردار باشند و از این حیث نباید هیچ‌گونه تبعیضی میان شهروندان و قبایل مختلف، از جمله آگیک وجود داشته باشد (ACtHPR, 2017: para.143).

دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز در پی سؤال دولت کلمبیا در مورد تعهدات زیست‌محیطی دولت‌های آمریکایی، نظریه‌ای مشورتی صادر نمود که در این رابطه قابل استناد است. در این نظریه مشورتی دیوان آمریکایی برای اولین بار حق بر محیط‌زیست سالم را به‌عنوان یک حق مستقل شناسایی کرده و آن را مبنا و اساس بقای بشریت توصیف می‌نماید (IACHR, 2017: 2-3). دیوان ضمن اشاره به تقسیم‌بندی حقوق زیست‌محیطی به ماهوی (حقوقی که تخریب محیط‌زیست به‌طور مستقیم بهره‌مندی از آن‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد مانند حق حیات، حق بر سلامت و...) و حقوق آیینی (که به سیاست‌های زیست‌محیطی مربوط بوده و شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به مراجع قضایی در موضوعات زیست‌محیطی می‌شود). اعلام می‌دارد که تأمین حقوق زیست‌محیطی جز با فراهم ساختن بسترهای لازم برای دسترسی به دادگاه صالح امکان‌پذیر نیست.^۱

۱. باید توجه داشت که نظر مشورتی دیوان آمریکایی حقوق بشر برای تمام دولت‌هایی که صلاحیت آن را پذیرفتند لازم‌الاتباع می‌باشد.

Felix Pinto-Bazurco, "The inter-american court of human rights recognizes a right to a healthy environment in recent advisory opinion", 2018, available at: <http://blogs.law.columbia.edu/climatechange/2018/02/23/the-inter-american-court-of-human-rights-recognizes-a-right-to-a-healthy-environment-in-recent-advisory-opinion/>

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز، در پرونده‌های متعددی بر بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس در مورد دسترسی به دادگاه در موضوعات زیست‌محیطی صحنه گذاشته است. بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس، صراحتاً به «ملاک‌های مقرر در قوانین ملی» اشاره دارد و طرح دعوا را منوط به احراز شرایط مزبور می‌داند. به عبارت دیگر، امکان قانون‌گذاری و تعیین شرایط طرح دعوا در موضوعات زیست‌محیطی برای دولت‌های عضو فراهم شده است. مسئله مهم این است که آیا دولت‌های عضو می‌توانند در حقوق داخلی خود محدودیت‌هایی بر بند ۳ ماده ۹ وارد نمایند و در صورتی که پاسخ مثبت باشد، اعمال محدودیت‌ها تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد. این موضوع در پرونده اختلاف میان سازمان مردم‌نهاد دورگاردن لیلوارتانس^۱ علیه سوئد مطرح گردید.

قوانین داخلی دولت سوئد به آن دسته از سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه طرح دعوا در موضوعات زیست‌محیطی را می‌دهد که تعداد اعضای آن‌ها از ۲۰۰۰ نفر بیشتر باشد. بر اساس همین مقرر و عدم احراز شرط مندرج در قانون سوئد، دعوی سازمان مردم‌نهاد دورگاردن لیلوارتانس در مرحله بدوی و مرحله تجدیدنظر رد شد. لذا سازمان مذکور مسئله را نزد دیوان عالی سوئد طرح نمود و دیوان عالی برای رسیدگی، موضوع انطباق یا عدم انطباق قانون سوئد با کنوانسیون آرهوس را از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا استفسار نمود. دیوان در پاسخ، ابتدا اذعان می‌دارد که اولاً با توجه به اینکه قوانین با مشارکت (مستقیم یا غیر مستقیم) مردم وضع می‌شود، بالطبع دسترسی به مراجع قضایی و احقاق حق مردم، نباید مشروط به شرایط خاصی باشد. (CJEU, 2009: para.39) ثانیاً، قوانین داخلی دولت‌های عضو باید در راستای قوانین اتحادیه و کنوانسیون آرهوس، بیشترین دسترسی به مراجع قضایی و شبه‌قضایی را در موضوعات زیست‌محیطی تضمین نمایند و قوانین داخلی دولت‌ها نباید مبطل مقررات اتحادیه در مورد دسترسی افراد واجد صلاحیت به این مراجع باشد. (CJEU, 2009: para.45). ثالثاً، با توجه به اینکه تنها دو سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در سوئد جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰ نفر عضو دارند، لذا قانون این کشور در عمل کلیه سازمان‌های غیردولتی کوچک و محلی را از دسترسی به دادگاه، محروم نموده است. (CJEU, 2009: para.50) دیوان در نهایت اعلام می‌کند که قانون داخلی سوئد در مغایرت با موضوع و هدف کنوانسیون آرهوس است.

دیوان دادگستری اتحادیه در پرونده سازمان غیردولتی دوستان زمین آلمانی علیه آلمان، مقرر داخلی دولت آلمان را به چالش می‌کشد. این دولت طی مقرره‌ای اجازه تأسیس و بهره‌برداری از نیروگاه زغال سنگ را در ۸ کیلومتری مناطق حفاظت شده صادر می‌کند. سازمان غیردولتی دوستان زمین برای ابطال

1. The NGO Djurgården-Lilla Värtans Miljöförening
2. The NGO Friends of the Earth

مجوز مذکور اقامه دعوا می‌کند اما دادگاه آلمان اعلام می‌دارد «تا زمانی که حقوق افراد به طور مستقیم نقض نشده باشد هیچ فرد یا سازمانی نمی‌تواند درخواست ابطال مجوز را داشته باشد». دیوان دادگستری اتحادیه اروپا با رد این نظر عنوان می‌دارد که «در پرتو اهداف کنوانسیون آرهوس، سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی برای حراست از اعمال مؤثر قوانین زیست‌محیطی، می‌بایست حق گسترده‌ای در زمینه طرح دعوا داشته باشند» (CJEU, 2011: paras.41-48). بنابراین، در پروژه‌هایی که ممکن است اثرات مهمی بر محیط‌زیست داشته باشند سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی می‌بایست این حق را داشته باشند تا تصمیمات دولتی را نزد مراجع قضایی و شبه‌قضایی به چالش بکشند. از این رو قانون آلمان بسیار مضیق بوده و با اهداف کنوانسیون آرهوس انطباق ندارد.

همچنین در پرونده معروف به خرس‌های قهوه‌ای اسلواک^۱ که توسط سازمان غیردولتی^۲ علیه دولت اسلواکی طرح گردید دیوان دادگستری اتحادیه اروپا عنوان می‌دارد تا جایی که به گونه‌های مورد حمایت مربوط می‌شود دادگاه‌های دولت‌های عضو متعهدند برای تضمین حمایت قضایی مؤثر در چهارچوب قوانین زیست‌محیطی اتحادیه، قوانین ملی خود را تا جای ممکن به گونه‌ای تفسیر نمایند تا با اهداف مقرر در بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس و بیشترین دسترسی به دادگاه، انطباق داشته باشد. (CJEU, 2011: para.50)

کلیه پرونده‌های یادشده نشان می‌دهد که دسترسی به مراجع قضایی و شبه‌قضایی برای احقاق حق در مسائل زیست‌محیطی چه به‌عنوان یک حق بشری و چه در قالب دموکراسی زیست‌محیطی، مورد تأیید رویه قضایی قرار گرفته است.

۳. مدل‌های مختلف مراجع زیست‌محیطی موفق در نظام‌های داخلی

آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر در حوزه ایجاد مراجع قضایی زیست‌محیطی، نظام‌های داخلی شاهد فعالیت‌های مهمی بوده‌اند. برنامه محیط‌زیست ملل متحد (یونپ) در گزارشی تحت عنوان «دادگاه‌ها و دیوان‌های زیست‌محیطی: راهنمایی برای سیاست‌گذاران» به تفصیل این موضوع را بررسی نموده است. طبق این گزارش، بررسی‌های صورت گرفته در ۴۴ کشور نشان می‌دهد بیش از ۱۲۰۰ مراجع قضایی و شبه‌قضایی زیست‌محیطی در سراسر جهان مشغول فعالیت‌اند. همچنین، تأسیس دادگاه‌های اختصاصی پاسخی مناسب به هدف شانزدهم توسعه پایدار مندرج در سند «تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای اقدام جهانی» است (Pring, Pring, 2016: 1). در واقع تعدد مراجع قضایی و شبه‌قضایی زیست‌محیطی از تحولات قرن ۲۱ عنوان شده است (Smith, 2018: 138).

1. Slovak Brown Bears (2011)
2. Lesoochránárske zoskupenie VLK

مراجع زیست محیطی از جهاتی از دادگاه‌های عمومی متفاوت و مجزا هستند زیرا نه تنها به طور خاص بر موضوعات زیست محیطی متمرکز هستند، بلکه قضات و دادرسان و حتی در مواردی وکلا و کارشناسان این مراجع، افرادی هستند که به طور خاص در حقوق محیط زیست آموزش دیده و متبحر هستند (Pring, Pring, 2016: IV, V). در واقع بدون یک نظام قضایی مستقل، قدرتمند و متخصص امکان پیگیری منافع عامه غیرممکن است (Robinson, 2012: 379). همان طور که آنتونیو بنجامین قاضی دیوان عالی برزیل عنوان می‌دارد: «چالش‌های زیست محیطی مستلزم پاسخ و واکنش سریع است که با فرایند‌کننده نظام قضایی، به دلیل بوروکراسی اداری و سایر تشریفات، سازگار نبوده و حتی در نهایت خود مانعی برای حمایت مؤثر از محیط زیست است» (Pring, 2016: 1).

در مورد نمونه‌های مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی در ابتدا باید عنوان داشت که مناسب‌ترین روش حل و فصل اختلافات به نحوی که برای تمام افراد ذی‌نفع حق دسترسی به دادگاه وجود داشته باشد بستگی به مؤلفه‌های گوناگونی دارد. هر نمونه از این مراجع در نظام‌های داخلی، به نوعی منعکس‌کننده نظام حقوقی و فرهنگی دولت متبوع آن دادگاه می‌باشد. به این معنا که یک مرجع قضایی یا شبه قضایی زیست محیطی در یک دولت می‌بایست با توجه به تاریخ، نظام حقوقی، نظام قضایی، اقتصاد، فرهنگ، مذهب و سیاست‌های زیست محیطی آن دولت باشد. با این توضیح، در ادامه انواع مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند (Pring, 2016: 1). در کل، مراجع زیست محیطی یا در ساختار قضایی یا در ساختار نهادهای شبه قضایی مانند نهادهای اداری، آمبودزمان و... تعبیه شده‌اند.

۳-۱. مراجع قضایی زیست محیطی

مراجع قضایی زیست محیطی به پنج دسته قابل تقسیم بندی هستند:

طبق الگوی نخست، دادگاه اختصاصی محیط زیست مستقل از دادگاه‌های عمومی تاسیس می‌شود. این مدل دادگاه‌ها که عالی‌ترین نمونه از روش‌های حل و فصل قضایی موضوعات زیست محیطی محسوب می‌شوند دارای صلاحیت گسترده‌ای بوده و عموماً بهترین رویه‌های زیست محیطی از آن‌ها نشئت می‌گیرد. از نمونه‌های عملی می‌توان به دادگاه موضوعات ارضی و زیست محیطی برزیل و دادگاه محیط زیست نیوزیلند اشاره نمود. دسته دوم، دادگاه‌های تخصصی زیست محیطی بخشی از بدنه دادگاه عمومی را تشکیل می‌دهد. به این معنی که از حیث بودجه، کارکنان و مدیریت زیر نظر دادگاه عمومی بوده اما از حیث قواعد شکلی و ماهوی در تصمیم‌گیری مستقل عمل می‌کنند. دادگاه ایالت کوئینزلند استرالیا، شعبه محیط زیست دادگاه عالی ایالت ورمونت آمریکا از جمله دادگاه‌های زیست محیطی هستند که در این دسته جای می‌گیرند.

دسته سوم، شامل مراجع قضایی زیست‌محیطی است که نه تنها مسائل زیست‌محیطی توسط قضات متخصص و متبحر در حقوق محیط‌زیست در آن‌ها بررسی می‌شود، بلکه به موازات رسیدگی‌های حقوقی، متخصصان علمی و فنی نیز پرونده را مورد بررسی قرار می‌دهند تا ابعاد مختلف قضیه آشکار شده و حکم صادره عادلانه‌تر باشد. مشخصه اصلی این قسم از مراجع زیست‌محیطی، همکاری میان زمانی محقق می‌گردد که در دادگاه اختصاصی یا تخصصی در کنار قضات حقوق‌دان، متخصصین علمی قضات (حقوق‌دان) با متخصصین علمی و فنی زیست‌محیطی است و الا همکاری متخصصین فنی و علمی در دسته اول (دادگاهی مجزای از دادگاه عمومی) و دسته دوم (شعبه‌ای در بدنه دادگاه عمومی) نیز متصور است. به بیان دیگر در دسته اول و دوم لزوماً از متخصصین علمی و فنی استفاده نمی‌شود، در حالی که دسته سوم و فنی نیز مشارکت داشته باشند. برای مثال، طبق قانون محیط‌زیست سوئد، دادگاه ارضی و زیست‌محیطی این کشور، هیئتی متشکل از یک قاضی (حقوق‌دان)، یک کارشناس فنی و دو کارشناس علمی است. همچنین دادگاه محیط‌زیست شیلی نیز بر اساس همین الگو از سه عضو اصلی شامل دو قاضی (حقوق‌دان) و یک کارشناس علمی (که از میان مهندسين و اقتصاددان‌ها انتخاب می‌شود) و دو عضو جایگزین (یک حقوق‌دان و یک کارشناس علمی) تشکیل شده است و حکم نهایی نیز می‌بایست محصول همکاری حقوقی و فنی میان اعضای مذکور باشد.

الگوی چهارم از رسیدگی‌های زیست‌محیطی می‌تواند شامل حالت‌های مختلفی باشد که در سه الگوی پیشین قرار نمی‌گیرد اما به نوعی مبین توجه خاص به پرونده‌های زیست‌محیطی است، اقداماتی همچون اختصاص زمان‌های مشخص برای رسیدگی‌های زیست‌محیطی یا تخصیص شعبی از دادگاه‌های عمومی به این امر یا آموزش زیست‌محیطی قضات دادگاه عمومی از مصادیق شناخته شده این الگو است. برای روشن شدن بهتر شیوه کار این دسته، دادگاه ایالت هاوایی در آمریکا را مثال می‌زنیم. دادگاه مذکور روزهای مشخصی را در هر ماه به رسیدگی پرونده‌های زیست‌محیطی اختصاص می‌دهد اگرچه قضات رسیدگی‌کننده لزوماً افراد متخصص محیط‌زیست نیستند. یا کشور فیلیپین که شعبی از دادگاه‌های عمومی را به رسیدگی‌های زیست‌محیطی اختصاص داده است؛ به این معنا که شعب مذکور به پرونده‌های حقوقی، کیفری و... رسیدگی می‌نمایند، در کنار آن‌ها تمام پرونده‌های زیست‌محیطی نیز به این شعب انتقال داده می‌شود. مثال دیگر این الگو، حالتی است که برخی قضات منتخب دادگاه عمومی به‌صورت ادواری مورد آموزش‌های زیست‌محیطی قرار می‌گیرند. کشورهای اندونزی و آرژانتین این روش را برگزیده‌اند. دیوان عالی اندونزی دلیل انتخاب این روش را حفظ استقلال قوه قضائیه می‌داند. دیوان عالی آرژانتین نیز در

مراحل ابتدایی تأسیس دادگاه زیست‌محیطی، در سال ۲۰۱۴ اقدام به تأسیس یک دفتر زیست‌محیطی^۱ نمود. گرچه دفتر مذکور حکم قضایی صادر نمی‌کند و از این رو نمی‌توان آن را یک دادگاه زیست‌محیطی دانست اما یکی از فعالیت‌های این دفتر، ارائه آموزش‌های زیست‌محیطی به کارکنان قوه قضائیه است (Pring, 2016: 22-32).

۲-۳. مراجع شبه قضایی زیست‌محیطی

مراجع شبه قضایی زیست‌محیطی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول شامل مراجع شبه قضایی می‌شود که منفک از نهادهای عمومی کشور به فعالیت می‌پردازند، به این ترتیب که در تعیین قواعد حاکم بر رسیدگی از اختیار تام برخوردارند. مثال این مورد، دیوان ملی محیط‌زیست کنیا^۲ است. وظیفه این نهاد، رسیدگی به اعتراضات وارده به تصمیمات آژانس ملی محیط‌زیست کنیا است. از جمله وظایف آژانس ملی محیط‌زیست کنیا، صدور مجوز برای ساخت جاده، تأسیس کارخانه، ارائه تسهیلات گردشگری و... است. فعالیت‌های یادشده نیازمند اخذ مجوز و ارزیابی آثار زیست‌محیطی است. اعتراض نسبت به مجوز مذکور در دیوان ملی محیط‌زیست کنیا قابل بررسی است و مدت زمان و هزینه رسیدگی در این دیوان بسیار کمتر از مراجع قضایی تعیین شده است. کمیسیون هماهنگی اختلافات زیست‌محیطی ژاپن^۳ نیز نمونه دیگری از این قبیل مراجع شبه قضایی است. این کمیسیون، نهاد تخصصی مستقلی است که از اختیار لازم برای بازنگری یا لغو تصمیمات دولتی برخوردار نبوده و صرفاً نظرات مشورتی ارائه می‌دهد؛ با این حال، به دلیل فرایند عادلانه، سریع و ارزانی که دارد سالانه پرونده‌های زیادی را بررسی می‌نماید. (Pring, 2016: 32-34).

و اما دسته دوم، مراجعی هستند که به‌عنوان جزئی از ساختار و بدنه سازمان‌های دولتی عمل نموده و از حیث بودجه و فعالیت‌های اداری تحت نظارت آن‌ها هستند. دیوان ملی سبز هند^۴ از جمله این مراجع است. دیوان مزبور به‌عنوان بخشی از وزارت دادگستری کشور هندوستان و در استقلال کامل از وزارت محیط‌زیست این کشور فعالیت می‌کند و همچون نهادهای قضایی از اختیارات گسترده‌ای مانند احضار شهود، دستور موقت، توقیف اموال و... برخوردار است. مرجع بازنگری تصمیمات این نهاد، دیوان عالی کشور هندوستان است. دیوان ملی سبز هند تاکنون رسیدگی به پرونده‌های بسیار مهم زیست‌محیطی مانند آلودگی رود گنگ، آلودگی هوا در دهلی نو و... را در کارنامه خود دارد (Rengarajan and others, 2018: 11313-11318).

1. Environmental Office
2. Kenya - National Environment Tribunal
3. Environmental Dispute Coordination Commission of Japan
4. India - National Green Tribunal

و سومین دسته از نهادهای شبه‌قضایی، نهادهایی هستند که از حیث مالی، اداری و سیاست‌گذاری تحت کنترل نهاد مافوق خود هستند که تصمیمات آن‌ها را نیز مورد بازنگری قرار می‌دهد و لذا فرض بر این است دسته‌ اخیر برخلاف مدل پیش‌گفته، در تصمیم‌گیری‌ها از استقلال کافی برخوردار نیستند. با وجود این برخی از این نهادها توانسته‌اند با جلب اعتماد عمومی، رویه‌های خوبی از خود به‌جای بگذارند. در این مورد می‌توان سازمان حفاظت از محیط‌زیست ایالات متحده^۱ را مثال زد. در این سازمان، مرجع رسیدگی به پرونده‌های اداری مرتبط با محیط‌زیست، دفتر دادرسان حقوق اداری^۲ است. تصمیمات این دفتر توسط هیئت استیناف محیط‌زیست^۳ (با ۴ قاضی مجرب و ۸ وکیل باتجربه به‌عنوان مشاور) مورد بازنگری قرار می‌گیرد. بازنگری انجام شده به‌عنوان یک گزارش مستقیماً به دفتر دادرسان حقوق اداری ارسال می‌شود. تصمیمات هیئت استیناف برای سازمان محیط‌زیست قطعی بوده و تنها در برخی موارد نزد دادگاه فدرال قابل اعتراض است. (Pring, Pring, 2016: 38-39).

۴. دسترسی به مراجع قضایی و شبه‌قضایی زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران

از بدو تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسئله محیط‌زیست مورد توجه قانون‌گذار بوده است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» اصل مزبور که ۶ سال پس از اعلامیه استکهلم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج گردید نقطه عطفی در شکل‌گیری مبانی حفاظت از محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲: ۹۴). با وجود این مقررۀ اساسی و نیز وجود قوانینی هرچند پراکنده در نظام حقوقی ایران، محیط‌زیست کشور به‌ویژه در دو دهه اخیر با چالش‌های زیست‌محیطی فراوانی مواجه گردیده مواردی همچون کم‌آبی و خشکسالی، ریزگردها، آلودگی هوای کلانشهرها، بالا بودن مصرف انرژی، خشک شدن تالاب‌ها، فرسایش و فرونشست زمین، از بین رفتن جنگل‌ها، بیابان‌زایی، فرسایش خاک، آلودگی دریاها، انقراض گونه‌های جانوری بومی، شکار غیرقانونی، از بین رفتن تنوع زیستی، از عمده‌ترین مشکلات زیست‌محیطی ایران است که افزون بر به خطر انداختن جان انسان‌ها، محیط‌زیست کشور را به‌سوی شرایط بحرانی سوق داده است.

1. U.S. Environmental Protection Agency
2. Office of Administrative Law Judges
3. The Environmental Appeals Board

شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی توان بر آن سرپوش نهاد، به طوری که مقوله توسعه با تخریب محیط زیست هم زاد شده است. برای مثال، ایران جزو ۱۰ کشور اول جهان در آلودگی هواست و در مسائلی همچون فرونشست زمین، نابودی تالابها و بیابانزایی رتبه اول را به خود اختصاص داده است (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴). در مدیریت بحران های زیست محیطی و مقابله با آنها، عوامل مختلفی دخیل هستند از جدیت در اعمال قانون و سازوکارهای حقوقی و قضایی و ضمانت اجرای مؤثر، برخورداری از قوانین هم سو با زمان تا نگرش عمومی نسبت به محیط زیست، دخالت جامعه مدنی و مانند آن. از عوامل یادشده مقوله مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی به عنوان بخشی از سازوکارهای حقوقی و قضایی مدنظر این مقاله است. در مطالب پیش رو ابتدا وضعیت کنونی نظام حقوقی برای طرح دعاوی زیست محیطی و سپس آنچه بایسته است را بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. طرح دعاوی زیست محیطی در ساختار کنونی

هرچند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشاره ای به مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی ندارد اما در برخی از مقررات و قوانین عادی، امکان طرح دعاوی و جبران خسارات زیست محیطی پیش بینی شده است. در حال حاضر برای رسیدگی به پاره ای از اختلافات که جنبه های زیست محیطی نیز دارند، مراجع شبه قضایی توسط برخی قوانین و آیین نامه های اجرایی تشکیل شده است. بر اساس ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب، استفاده از منابع آب زیرزمینی (به استثنای موارد مذکور در ماده ۵) از طریق حفر هر نوع چاه، قنات و چشمه می بایست با موافقت وزارت نیرو و صدور پروانه حفر و بهره برداری توسط این وزارتخانه انجام گیرد. با توجه به ماده ۱ آیین نامه اجرایی فصل دوم قانون فوق، مصوب ۱۳۶۳ هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی بخواهد از آب های زیرزمینی... استفاده کنند باید تقاضای کتبی خود را به سازمان یا شرکت های آب تابعه وزارت نیرو یا شعب آنها تسلیم نمایند. در مواد ۳ و ۴ آیین نامه مقرر شده پس از تکمیل پرونده متقاضی، رسیدگی به آن جهت صدور پروانه با (کمیسیون رسیدگی به امور پروانه ها) خواهد بود. علاوه بر این مورد، صدور پروانه مصرف بهینه آب برای مصرف کنندگان کشاورزی (طبق ماده ۷ آیین نامه اجرایی بهینه سازی مصرف آب کشاورزی مصوب ۱۳۷۵) و صدور پروانه کلیه چاه های آب کشاورزی فعال فاقد پروانه (به استناد ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه های آب فاقد پروانه بهره برداری مصوب ۱۳۸۹) از اختیارات کمیسیون است (جعفری ندوشن و شیرزاد، ۱۳۹۸: ۴۶-۲۷). البته کمیسیون در برخی مسائل مانند حل اختلاف فی مابین صاحبان چاه یا قنات جدیدالاحداث با صاحبان منابع آبی مجاور (تبصره ۲ ماده ۵ و تبصره ۱ ماده ۱۴ و ماده ۶ آیین نامه اجرایی) صلاحیت حل اختلاف

نیز دارد. بنابراین می‌توان کمیسیون را مرجع شبه‌قضایی دانست که علاوه بر صدور مجوزهای لازم برای حفر و بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی، از صلاحیت حل اختلاف نیز برخوردار است. همچنین، بر اساس تبصره ۵ ماده‌واحد قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری مصوب ۱۳۸۹ به منظور حل اختلافات ناشی از این قانون و نیز قانون توزیع عادلانه آب، در هر استانی، کمیسینی با عنوان کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی متشکل از یک نفر قاضی (با حکم رئیس دادگستری)، یک نفر نماینده سازمان جهاد کشاورزی استان (با حکم رئیس سازمان) و یک نفر نماینده شرکت آب منطقه‌ای استان (با حکم مدیرعامل شرکت) تشکیل و نسبت به بررسی شکایات واصله اقدام می‌کند. البته رأی نهائی توسط قاضی صادر می‌گردد. طبق این قانون، کلیه دعوی اشخاص علیه دولت مطروحه در دادگاه عمومی، برای اتخاذ تصمیم به این کمیسیون ارسال خواهد شد.

از دیگر مراجع شبه‌قضایی در حوزه محیط‌زیست باید به هیئت تعیین تکلیف اراضی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع اشاره نمود. طبق ماده‌واحد این قانون صاحبان اراضی زراعی، باغات و تأسیسات واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها... که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن اعتراض داشته باشند می‌توانند به هیئت مرکب از مسئول اداره کشاورزی، مسئول اداره جنگل‌داری، عضو جهاد سازندگی، عضو هیئت واگذاری زمین، یک نفر قاضی دادگستری و بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوطه، مراجعه نمایند. این هیئت در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی و با حضور حداقل ۵ نفر (از هفت نفر) رسمیت یافته و پس از اعلام نظر کارشناسی هیئت، رأی قاضی لازم‌الاجرا خواهد بود.

در مورد طرح دعاوی زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲) امکان اعتراض به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مأموران آن را مقرر نموده است. همچنین تبصره اول همین ماده، بیان می‌دارد: «تعیین میزان خسارات وارده... پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف، با دادگاه عمومی است» بنابراین بر اساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اشخاص حقیقی می‌توانند رأساً علیه تصمیمات و اقدامات سازمان‌های دولتی که به تخریب محیط‌زیست می‌انجامد و حقوق اشخاص خصوصی را نیز تضییع می‌کند در دیوان طرح دعوا نموده و در صورت استحقاق، حقوق زیان‌دیدگان در دادگاه‌های عمومی قابل مطالبه خواهد بود (همتی، ۱۳۹۷: ۲۴۳-۲۴۲). بنابراین، در صورتی که خسارت به محیط‌زیست از جانب دستگاه‌های اجرایی به حقوق اشخاص خصوصی هم لطمه بزند یا تصمیمات زیست‌محیطی دستگاه‌های مذکور، موجب ورود خسارت به اشخاص شود، این

اشخاص می‌توانند نزد دیوان طرح دعوی نمایند. همچنین، طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور گزارش‌های بازرسی سازمان بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به این‌گونه موارد به‌طور فوق‌العاده و خارج از نوبت خواهد بود. همچنین، به موجب مواد ۹، ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و بند ج ماده ۱۲ و بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید و اصلاحیه آن، سازمان محیط‌زیست دارای اختیارات لازم برای جلوگیری از آلودگی است. از آنجایی که این سازمان، زیر نظر قوه مجریه است، دعوی که از سوی آن طرح می‌شود، دعوای دولت محسوب می‌گردد و اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد، رسیدگی به پرونده در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است (بهرامی احمدی و علم‌خانی، ۱۳۹۲: ۹۱).

اگرچه قوانین و مقررات مصوب در حوزه محیط‌زیست از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، آیین‌نامه اخذ ورودیه از پارک‌ها و موزه‌ها، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی، قانون مناطق دریایی، قانون مجازات صید غیرمجاز در دریا و... هیچ اشاره‌ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان‌هایی که متصدی امر حفاظت محیط‌زیست هستند، ننموده، اما «آیین‌نامه اجرایی هیئت وزیران در خصوص تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی» مورخ ۸۱/۱۱/۹ و اصلاحیه ۸۲/۱۰/۲۳ به سازمان‌های غیردولتی حق می‌دهد تا متناسب با موضوع فعالیت خود با رعایت این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوطه فعالیت نموده و از جمله نسبت به دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی اقدام نمایند.

از دیگر ظرفیت‌های نظام حقوقی برای طرح دعوی زیست‌محیطی، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۴) است. طبق این ماده «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه ... محیط‌زیست است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق‌الذکر اعلام جرم نموده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.» مطرح نمودن سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در قانون آیین دادرسی کیفری یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی است که نه تنها جنبه حمایتی از بزه‌دیده دارد بلکه نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی ایفا می‌نماید (وروایی، ۱۳۹۵: ۳۲-۳۰). در اغلب سیستم‌های حقوقی، چنانچه زیانی مستقیم به اشخاص وارد نشود و فقط محیط‌زیست موضوع جرم قرار گیرد، در نظر اول، تنها فردی که می‌تواند اقامه دعوی کند دادستان است (رمضانی قوام‌آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۸۷). بنابراین، پیش‌بینی این ماده در قوانین کیفری ما علاوه بر اینکه تضمین تحقق مبانی توسعه پایدار و مبین مسئولیت همگانی مندرج در اصل ۵۰ قانون

اساسی است، سبب می‌گردد در حوزه‌هایی که ورود و تعقیب مدعی‌العموم با مشکلاتی مواجه باشد سازمان‌های مردم‌نهاد - که امروزه برخی آنان را (دادستان خصوصی یا شبه‌دادستان) می‌نامند - در تعامل با دادستان حامی حقوق افراد و جامعه باشند (چکنی، ۱۳۹۷: ۳۴۶).

می‌توان گفت، تا قبل از تصویب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد کنشی^۱ بوده اما پس از تصویب آن واکنشی^۲ شده است. به عبارت دیگر در حوزه سیاست جنایی ایران، نقش سازمان‌های غیردولتی صرفاً، پیشگیرانه بوده حال آنکه امروزه آن‌ها از نقش‌های متعددی در فرایند کیفری برخوردار هستند از جمله حضور به‌عنوان شاکی یا اعلام‌کننده جرم، یاور دادگاه و مشاور قربانی (چکنی، ۱۳۹۷: ۳۴۹) البته لازم به ذکر است که سمن‌ها قبل از اصلاح نهایی قانون آیین دادرسی کیفری از حقوق گسترده‌تری شامل حق اعلام جرم، معرفی نماینده جهت حضور در دادرسی، دادگاه و دریافت احضارنامه، اظهارنظر، اقامه دلیل و اعتراض به رأی صادره برخوردار بودند. اما در متن نهایی مداخله آن‌ها به اعلام جرم و مشارکت محدود گشت.

بنابراین، ماده مذکور از کاستی‌هایی رنج می‌برد و همین سبب شده تا مورد اقبال سازمان‌های مردم‌نهاد قرار نگیرد. از جمله ایرادات مهم ماده ۶۶ این است که شرایط لازم برای احراز سمن‌هایی که می‌توانند نسبت به جرایم زیست‌محیطی اعلام جرم نمایند مشخص نشده است. طبعاً، این مسئله حاکمیت قانون را به چالش کشیده و باب اعمال سلیقه احتمالی را باز می‌گذارد. البته، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۵) به سمن‌هایی اجازه استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ را می‌دهد که از مراجع قانونی ذی‌ربط کسب مجوز نموده و اگر سه بار به‌صورت متوالی اعلان جرم یک سمن به‌طور قطعی رد شود تا یک‌سال نمی‌تواند از حق خود برای اقامه دعوی استفاده نماید. (چکنی، ۱۳۹۷: ۳۵۸) این قانون نه تنها به رفع ابهام کمکی نموده بلکه محدودیت مندرج در آن، چنانچه اشاره شد حق دسترسی به دادگاه را به‌عنوان یک حق بشری مخدوش می‌نماید. همچنین منوط کردن اعلام اسامی سمن‌های موضوع ماده ۶۶ از سوی وزیر دادگستری و کشور و تصویب رئیس قوه قضائیه که همه از مسئولان دولتی هستند ضمن آنکه با خصیصه غیردولتی بودن این نهادها در مغایرت است، محدودیتی بر احقاق حق توسط آن‌ها محسوب می‌شود.^۳ ضمناً با توجه به اینکه ماده ۶۶ جنبه حمایتی دارد و به نظر، با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات حمایت محقق

1. proactive

2. reactive

۳. یادآور می‌شود که در زمینه دعوی مدنی کماکان سازمان‌های غیردولتی نمی‌توانند به‌عنوان خواهان در دعوی زیست‌محیطی طرح دعوی کنند.

نمی‌گردد و بهتر آن بود که از حقوق گسترده‌تری برخوردار باشند (وروایی، ۱۳۹۵: ۴۱).

به ظرفیت‌های فوق می‌توان معافیت‌هایی که در نظام حقوقی ایران برای طرح دعاوی زیست‌محیطی توسط برخی نهادها در نظر گرفته شده را اضافه کرد. در همین راستا، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۱۱۵۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۸ عنوان داشته است: «با عنایت به ماده ۲۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۸/۱۰ که مقرر می‌دارد به منظور رفع تصرف از اراضی دولتی، ملی و وقفی، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان امور اراضی و سازمان حفاظت محیط‌زیست... حسب مورد پس از تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوط، از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف می‌باشند.» چنانچه دستگاه اجرایی ذی‌ربط به منظور رفع تصرف از اراضی مذکور در این قانون هرگونه دعوائی طرح یا اعتراض نماید، با رعایت مقررات این ماده از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. اداره کل حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۳۱۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ نیز اعلام نموده است «دعاوی که سازمان محیط‌زیست در اجرای قانون حفاظت و احیاء و مدیریت تالاب‌های کشور مصوب ۱۳۹۶ اقامه می‌نماید (اعم از دعاوی کیفری و یا حقوقی نظیر ضرر و زیان ناشی از جرم) - با عنایت به اطلاق تبصره ۲ ماده ۴ این قانون - از پرداخت هزینه دادرسی معاف است.» نظرات اداره حقوقی، نشان‌دهنده درک حساسیت موضوعات زیست‌محیطی و گام‌های مثبت جهت تسهیل طرح دعاوی زیست‌محیطی است.

۲-۴. خلأهای نظام حقوقی ایران

اقداماتی که در بند پیشین به آن اشاره شد، به طور قطع گام‌های مهمی در جهت تحقق عدالت و دموکراسی زیست‌محیطی به حساب می‌آید. با این حال نکات ضعف بیان‌شده در قوانین، فقدان قانونی منسجم به‌عنوان قانون محیط‌زیست و به‌ویژه خلأ نهاد متمرکزی که در آن افراد متخصص به دعاوی زیست‌محیطی رسیدگی نمایند، کماکان محسوس است. به بیان دیگر، در وهله نخست، اعطای سمت به شهروندان و به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی، در طرح دعاوی زیست‌محیطی از جلوه‌های تحقق دموکراسی زیست‌محیطی و یکی از کارآمدترین شیوه‌های مشارکت مردمی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرای کارآمد حقوق محیط‌زیست و تحقق محیط‌زیست سالم است. از این‌رو، بسیاری از کشورها، با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های حقوقی، اعم از قوانین موضوعه و تفسیر قضایی مناسب، راه را برای طرح این دعاوی هموار کرده‌اند (جم، ۱۳۸۷: ۸۱). یکی از جدیدترین ابتکارات موجود، اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعی محیط‌زیست و تعیین قیم و نماینده قانونی جهت اقامه دعاوی از سوی عنصر طبیعی است. برای مثال، در قانون اساسی اکوادور (۲۰۰۸) اعلام شده طبیعت به‌مثابه شخص حقوقی است. مواد ۱۰ و ۷۱ تا ۷۴ قانون اساسی این

کشور حقوق ذاتی اکوسیستم را شناسایی نموده و به افراد اجازه می‌دهد که در صورت وقوع خسارت، از طرف اکوسیستم اقامه دعوا کنند (Dinah Shelton, 2015: para.24). همچنین در سال ۲۰۱۴ دولت نیوزیلند برای پارک ملی تی‌اُرورا^۱ که بخشی از جنگل‌های طبیعی است قائل به شخصیت حقوقی شد (Catherine J. Iorns Magallanes, 2015, para.34) و بار دیگر در سال ۲۰۱۷ برای رودخانه وانگانی^۲ این موضوع تکرار گردید. در این راستا، قیم‌هایی^۳ برای رودخانه تعیین گردید تا در صورت ایراد خسارت به رودخانه، اقدام به طرح دعوا کرده و مطالبه جبران خسارت نمایند (Renata Colwell, Savannah Carr-Wilson, 2017: 5-6).

در سال ۲۰۱۶ نیز دادگاه قانون اساسی کلمبیا در مورد رودخانه آتراتو عنوان داشت این رودخانه و حوزه‌های آبریز آن از حقوق حمایت، حفاظت و بازسازی توسط دولت و گروه‌های قومی برخوردار هستند (Colombia Constitutional Court, 2018: 159). در واقع به اعتقاد دادگاه، میان منابع طبیعی با فرهنگ گروه‌های محلی و مردمان بومی ارتباط متقابل وجود دارد و لذا بومیان منطقه به لحاظ حقوقی، قیم رودخانه محسوب می‌شوند (ABColumbia, 2017). از موارد مشابه دیگر، رود گنگ و جنگل آمازون است. ورود زباله‌های صنعتی و فاضلاب‌های تصفیه نشده موجبات آلودگی رود گنگ شده و از این رو دادگاه عالی ایالت اوتاراکنده^۴ در هندوستان در سال ۲۰۱۷ و در راستای مبارزه با آلودگی این رود، شخصیت حقوقی مستقل آن را احراز می‌نماید. طبق نظر دادگاه، مدیر پروژه گنگ، دبیرکل ایالت اوتاراکنده و دادستان نمایندگان قانونی گنگ محسوب شده و می‌توانند از طرف آن، به استیفای حقوقش از جمله طرح دعوا در دادگاه بپردازند (Trivedi and Jagati, 2017). در رابطه با جنگل آمازون نیز در سال ۲۰۱۸ یک سازمان مردم‌نهاد دعوی را علیه دولت کلمبیا طرح نمود. در این پرونده، نماینده خواهان در لوایح خود به حق جنگل آمازون تأکید نمود. دادگاه با تأکید بر اهمیت جنگل‌ها در حفظ اکوسیستم از رئیس‌جمهور و وزرای محیط‌زیست و کشاورزی می‌خواهد تا به طراحی یک برنامه اقدام که مستلزم همکاری با گروه‌های بومی است مبادرت نمایند (Stephen Schmidt, 2018). بنابراین، اعطای شخصیت حقوقی به عناصر طبیعی در کنار دادن سمت به شهروندان و به‌ویژه نهادهای متشکل از آن‌ها که سازمان‌های غیردولتی نامیده می‌شوند توانسته موجبات حفاظت از محیط‌زیست را به‌طور کلی و عناصر طبیعی ارزشمند را به‌طور

1. Te Urewera
2. Whanganui River
3. Guardians
4. Uttarakhand High Court

خاص فراهم سازد. مشارکت این سازمان‌ها زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به وجود جرایم بدون بزه‌دیده عینی جهت تعقیب دعوای عمومی در حقوق کیفری کشور توجه نماییم. لذا صرف پیش‌بینی حضور سازمان‌های غیردولتی در فرایند کیفری در نظام حقوقی ایران که به آن اشاره شد، کافی نبوده و ضروری است برای این نهادها همانند بسیاری از کشورها حق حضور به‌عنوان شاکی قائل گردید. ضمن آنکه برای نهادینه شدن مشارکت سازمان‌های غیردولتی باید مقررات مشخصی در باب اداره، شرایط و نحوه حضور آن‌ها در فرایند کیفری تنظیم شود. در کنار این با توجه به وجود مواهب طبیعی بی‌نظیر و کم‌نظیر در کشورمان مثل کوه دماوند، جنگل‌های هیرکانی، کویر لوت، زاینده‌رود و... ایده اعطای شخصیت حقوقی به این عناصر در کنار ایجاد حق دسترسی به محاکم برای سازمان‌های غیردولتی می‌تواند گامی مؤثر در حفاظت از این مواهب طبیعی باشد.

در وهله بعدی، طرح دعوای زیست‌محیطی زمانی به‌صورت کامل تحقق می‌یابد که مراجعی با ماهیت قضایی یا شبه‌قضایی جهت رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی پیش‌بینی شود. وجود مراجع قضایی خاص محیط‌زیست با صلاحیت مدنی و کیفری، به‌منظور تحقق دموکراسی زیست‌محیطی و پاسخ مؤثر به جرایم زیست‌محیطی ضروری می‌نماید، زیرا تعیین قربانی، تحلیل مفهوم خسارت به محیط‌زیست و... وظایف پیچیده و به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که بهتر است به دادگاه‌های اختصاصی یا تخصصی با دادرسان متخصص واگذار شوند (همتی، ۱۳۹۷: ۲۴۱). به‌علاوه، اختلافات زیست‌محیطی نیاز به اقدام متناسب و سریع دارد، که با سرعت پایین حاکم بر دادگاه‌های عمومی سازگار نیست، زیرا تشریفات اداری، مانعی برای حفاظت مؤثر از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار هستند (Pring, Pring, 2016: 2).

چنانچه بیان شد، قوانینی که در راستای تحقق حق دسترسی به دادگاه برای موضوعات زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران وضع گردیده، علاوه بر پراکندگی و تنوع زیاد، نواقصی دارد که احقاق حق را مشکل می‌سازد.

مراجع رسیدگی‌کننده به این قسم دعوای در صورتی که خواننده، نهاد دولتی یا شهرداری‌ها یا سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای وابسته به آن‌ها و خواهان اشخاص خصوصی باشند، دیوان عدالت اداری و در صورتی که خواهان و خواننده، اشخاص حقوقی عمومی باشند دادگاه‌های دادگستری مرجع صالح رسیدگی خواهند بود و مرجع صالح رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی نیز دادگاه‌های کیفری است. این در حالی است که تشکیل دادگاه‌های اختصاصی و تخصصی در نظام حقوقی ایران موضوع جدیدی نبوده و امری مسبوق به سابقه موفق است. برای نمونه دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان یکی از شعب دادگاه عمومی، دادگاهی تخصصی و دادگاه خانواده به‌عنوان یک

دادگاه اختصاصی در حال فعالیت هستند^۱ و قانون‌گذار با توجه به صلاحیت‌های خاص آن‌ها، شرایط خاصی را مقرر داشته است. در حوزه محیط‌زیست نیز می‌توان از این الگوهای مطلوب که امتحان خود را به خوبی پس داده‌اند استفاده نمود و با تأسیس دادگاه زیست‌محیطی ضمن تحقق یکی از ارکان دموکراسی زیست‌محیطی مسیر دستیابی به اهداف توسعه پایدار را هموار و با تخریب و آلودگی‌های زیست‌محیطی مقابله جدی نموده و با استفاده از فناوری‌های نوین و نهادهای ساختن مدیریت سبز در راستای کاهش هزینه‌های سازمانی، افزایش سرعت و کیفیت در رسیدگی گام‌های مثبتی بردارند (باقری، ۱۳۹۹: ۴۸).

از طرف دیگر با توجه حساسیت مسائل زیست‌محیطی در ایران و توجه به اینکه نهادهای قضایی از حق صدور رأی و امکانات لازم برای اجرای آن (توسط اجرای احکام) بهره‌مند هستند به نظر می‌رسد ایجاد مراجع قضایی به‌ویژه الگوهای یک تا چهار گفته شده برای کشور ما مناسب‌تر از مدل‌های شبه‌قضایی است. به نظر، اولاً دادگاه مذکور می‌بایست از صلاحیت گسترده چه در حوزه کیفری و چه حقوقی برخوردار باشد. به این صورت که نه تنها بتواند در راستای جبران خسارت حکم صادر نماید بلکه با صدور احکام کیفری خاطیان را مجازات نموده و به این صورت جنبه پیشگیری از بروز آسیب‌های بیشتر به محیط‌زیست را تقویت نماید. ثانیاً همان‌طور که در نمونه‌های فوق اشاره شد ترکیب این دادگاه می‌بایست متشکل از قضات حقوق‌دان (که البته در حوزه حقوق محیط‌زیست آموزش‌های لازم به آن‌ها ارائه شده) و متخصصین علمی و فنی در حوزه محیط‌زیست باشد. در مورد متخصصین نیز دو فرض قابل‌تصور است یا بتوانند نظرات خود را به‌صورت مشورتی ارائه دهند و یا به‌عنوان کارشناس و عضو دادگاه دارای حق رأی باشند. البته از آنجایی که انشای رأی در تخصص قضات حقوق‌دان است، بهتر است رأی نهایی توسط آن‌ها صادر شود اما در عین حال برای روشن شدن ابعاد پرونده مورد بررسی، ارائه نظر مشورتی توسط کارشناسان - با تعیین فرجه زمانی - الزامی باشد. ثالثاً از طرفی به جهت جلب اقبال عمومی و از طرف دیگر به جهت اقتضائات خسارات زیست‌محیطی فرایند رسیدگی در این دادگاه باید سریع و هزینه دادرسی تا حد امکان کاهش یابد. با

۱. البته در نظام حقوقی ایران دادگاه اختصاصی متفاوت از دادگاه تخصصی است. دادگاه اختصاصی دادگاهی است که فقط صلاحیت رسیدگی به جرایم خاصی را داشته و نمی‌تواند به جرایم دیگری خارج از چهارچوب تعیین شده در قانون رسیدگی نماید مانند دادگاه نظامی. اما دادگاه تخصصی در حقیقت یکی از شعب دادگاه عمومی است که به نوع خاصی از جرایم یا دعوی رسیدگی می‌کند مانند دادگاه اطفال و نوجوانان. طبق تبصره ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن نمی‌شود.

توجه به نکات مذکور، از میان مدل‌های مطلوب مراجع قضایی به نظر ایجاد دادگاه اختصاصی زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران مناسب‌ترین گزینه باشد.

نتیجه

امروزه با توجه به چندپارگی نظام حقوق بین‌الملل، تلاقی نظام‌های مختلف حقوقی امری اجتناب‌ناپذیر است. حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست از جمله نظام‌های حقوقی هستند که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و دموکراسی زیست‌محیطی از جمله نتایج هم‌کنشی نظام‌های حقوقی مذکور می‌باشد. در واقع، دموکراسی زیست‌محیطی از جمله حقوق آیینی زیست‌محیطی و شامل حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی و دسترسی به نظام قضایی می‌شود. این حق به شهروندان اعطا می‌گردد تا در برابر پروژه‌های صنعتی یا آثار سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی بر جامعه بتوانند اقدامات مناسبی را اتخاذ نمایند. حق دسترسی به دادگاه اگرچه به‌عنوان حق بشری در اسناد این حوزه و رویه قضایی مرتبط با آن منعکس شده است اما با تصویب کنوانسیون‌هایی در سطوح منطقه‌ای و در رأس آن‌ها کنوانسیون آرهوس، ابعاد تخصصی به خود گرفته است و رویه قضایی به‌ویژه رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، از این حق تفسیر حداکثری نموده و وجود هرگونه مانع در نظام‌های داخلی را نقض شاخصه دسترسی به دادگاه دموکراسی زیست‌محیطی اعلام داشته است. از سوی دیگر برخی دولت‌ها با توجه به نظام حقوقی خود، اقدام به ایجاد مراجع قضایی و شبه‌قضایی برای رسیدگی به مسائل و پرونده‌های زیست‌محیطی نموده‌اند. این مراجع از دادگاه‌های اختصاصی زیست‌محیطی به‌عنوان عالی‌ترین نمونه تا ایجاد مراجع شبه‌قضایی در بدنه دستگاه‌های اجرایی متولی محیط‌زیست متغیر است. نکته مشترک در همه این مراجع، استفاده از افراد متخصص و آموزش‌دیده در حوزه محیط‌زیست است. همچنین با توجه به سرعت رسیدگی و هزینه کمتر، مورد اقبال شهروندان و سازمان‌های غیردولتی قرار گرفته‌اند. در نظام حقوقی ایران اگرچه قوانین معدودی در راستای طرح دعاوی در موضوعات زیست‌محیطی وضع گردیده اما کافی نیست ضمن آنکه مراجع صلاحیت‌دار دادگاه عمومی هستند نه اختصاصی. با توجه به حساسیت مسائل زیست‌محیطی در کشور ایران از جمله آلودگی هوا، بیابان‌زایی، آلودگی دریاها، خشک شدن تالاب‌ها و... دولت ایران را ناگزیر می‌نماید تا توجه ویژه‌ای به مسائل زیست‌محیطی، پیشگیری از بروز آسیب‌های بیشتر و جبران خسارات ناشی از آن بنماید. با توجه به تجربه مثبت سایر کشورها و پیشینه دادگاه اختصاصی در موضوعاتی همچون خانواده، در حقوق ایران از جمله اقدامات تأثیرگذار ایجاد دادگاه اختصاصی زیست‌محیطی است.

منابع

- باقری، پرویز (۱۳۹۹)، «مطالعه تطبیقی کاربرد آیین دادرسی سبز در محاکم ایران و مالزی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۴، شماره ۱۱۰.
- بهرامی احمدی، حمید و اعظم علم‌خوانی (۱۳۹۲)، «تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی»، *دانش حقوق عمومی*، سال دوم، شماره ۵.
- جعفری ندوشن، علی اکبر و امید شیرزاد (۱۳۹۸)، «ساختار و صلاحیت مراجع شبه قضایی حقوق آب ایران»، *فصلنامه حقوق اداری*، سال ششم، شماره ۱.
- جم، فرهاد (۱۳۸۷)، «دسترسی به عدالت زیست‌محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعاوی منفعت عمومی در ایالت متحده آمریکا»، *نشریه حقوق اساسی*، سال هفتم، شماره ۹.
- چکنی، مصطفی و محمدحسن حسنی (۱۳۹۷)، «راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری (نقد و تحلیل ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری)»، *مجلس و راهبرد*، سال ۲۵، شماره ۹۴.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ ۳۳، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
- رضانی قوام آبادی، محمدحسین و جواد جوادمنش (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی‌نفع در اقامه دعوی زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، شماره ۴.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «حفاظت از محیط‌زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۶۳.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹)، «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۲.
- وروایی، اکبر و همت محمدی و ایوب نوریان (۱۳۹۵)، «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۲۸.
- همتی، مجتبی (۱۳۹۷)، «اقامه دعوی جبران خسارت زیست‌محیطی در نظام حقوق ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۸۱.

انگلیسی

- ABColombia, Colombian Constitutional Court sets a Global Precedent, available at: <https://www.abcolombia.org.uk/constitutional-court-sets-global-precedent/> (last visited on 10 November 2020)
- Ebbesson J, (2002.), *Access to justice in environmental matters in the EU*, Kluwer, The Hague.
- Hjalmarsson, Karin, (2014), *Access to Justice in Environmental Matters in The EU Member States, A Study of the case law from the European Court of Justice On access to national courts for non---governmental organizations and the costs of environmental proceedings*, JURM02 Graduate Thesis. Available at: <https://lup.lub.lu.se/student-papers/search/publication/4451220>
- Colwell, Renata, Savannah Carr-Wilson (2017) "Legal Personality of Natural

- Features: Recent International Developments and Applicability in Canada”, **Environmental law center**. Available at:
http://www.elc.uvic.ca/wordpress/wp-content/uploads/2018/05/2017-02-03-LegalPersonalityNatural-Features_web-version.pdf
- Chenwi, Lilian, The Right to a Satisfactory, Healthy, and Sustainable Environment in the African Regional Human Rights System, in John H. Knox, Ramin Pejan, The Human Right to a Healthy Environment, Cambridge University Press, first published 2018.
 - Ferrucci, Giada (2019), “A pioneering Platform: strengthening Environmental Democracy and justice in Latin America and the Caribbean”, **journal of management policy and practice**, vol.20.
 - J. Iorns Magallanes, Catherine (2015), “Nature as an Ancestor: Two Examples of Legal Personality for Nature in New Zealand”, *VertigO - la revue électronique en sciences de l'environnement* [En ligne], iss. 22.
 - Moloney, Anastasia, Colombia’s top court orders government to protect amazon forest in landmark, available at:
<https://www.reuters.com/article/us-colombia-deforestation-amazon/colombias-top-court-orders-government-to-protect-amazon-forest-in-landmark-case-idUSKCN1HD21Y> (last visited on 10 November 2020).
 - Pring, George, & Catherine Pring, (2016), *United Nations Environment Programme, Environmental Courts & Tribunals: A Guide for Policy Makers*, Published by UN Environment.
 - Rengarajan, Sridhar, Dhivya Palaniyappan, Purvaja Ramachandran, Ramesh Ramachandran, (2018), National Green Tribunal of India—an observation from environmental judgments, *Environmental Science and Pollution Research*, vol.25.
 - Robinson, Nicholas, (2012), Ensuring Access to Jus tice Through Environmental Courts, **Pace Environmental Law Review**, Vol. 29, Iss. 2.
 - Schmidt, Stephen, Colombian high court grants personhood to Amazon rainforest in case against country’s government, available at:
<https://www.pri.org/stories/2018-05-06/colombian-high-court-grants-personhood-amazon-rainforest-case-against-country-s> (last visited on 10 November 2020)
 - Shelton, Dinah (2010), “Developing Substantive Environmental Rights”, **Journal of Human Rights and the Environment**, vol. 1, no. 1.
 - Shelton, Dinah (2015), “Nature as a legal person”, *VertigO - la revue électronique en sciences de l'environnement* [En ligne], iss. 22.
 - Smith, Don (2018), Environmental courts and tribunals: changing environmental and natural resources law around the globe, **Journal of Energy & Natural Resources Law**, vol. 36, no. 2.
 - Trivedi and Jagati, Uttarakhand HC declares Ganga, Yamuna living entities, gives them legal rights, available at:
<https://www.hindustantimes.com/india-news/uttarakhand-hc-says-ganga-is-india-s-first-living-entity-grants-it-rights-equal-to-humans/storyVoI6DOG71fyMDihg5BuGCL.html> (last visited on 22

September 2019).

Cases

- African Court on Human and Peoples' Rights, African commission on human and peoples' rights v. republic of Kenya, Application no. 006/2012, 2017.
- Colombia Constitutional Court, Ruling T-622, 2016, Expediente T-5.016.242, 2018.
- Court of Justice of the European Union, Case C-115/09 Bund für Umwelt und Naturschutz Deutschland, Landesverband Nordrhein-Westfalen eV v Bezirksregierung Arnsberg Trianel Kohlekraftwerk Lünen, I-03673, 2011.
- Court of Justice of the European Union, Case C-263/08 Djurgården-Lilla Värtans Miljöskyddsförening v Stockholms kommun genom dess marknämnd, ECR I-9967, 2009.
- Court of Justice of the European Union, Case C-240/09 Lesoochránárske zoskupenie VLK v Ministerstvo životného prostredia Slovenskej republiky, ECR I-01255, 2011.
- European court of human rights court, Case of de geouffre de la Pradelle v. France, (Application no. 12964/87), 16 December 1992.
- European court of human rights court, Case of L'ERABLIÈRE A.S.B.L. v. Belgium, application no. 49230/07, 2009.
- IACHR, Environment and human rights, official summary advisory opinion oc-23/17, requested by the republic of Colombia, 15 November 2017. Available at:
https://aidaamericas.org/sites/default/files/resources_files/resumen_seriea_OC23_eng.pdf

Documents

- Convention on access to information, public participation in decision-making and access to justice in environmental matters (1998).
- Draft of the International Covenant on the Human Right to the Environment (2015).
- Law of Mother Earth (2010).
- The Australian Panel of Experts on Environmental Law (APEEL), Democracy and the Environment, 2017. Available at:
http://apeel.org.au/s/APEEL_democracy_and_environment.pdf
- The RIO declaration on environment and development (1992).
- Transforming our world: the 2030 agenda for global action (2015).
- Universal Declaration of Animal Rights (2014).

Thesis

- Johanna Velásquez Serna, (2015), Operationalization of sustainable development in the international legal instruments, LL.M in Natural Resources Law and International Environmental Law, University of Iceland.